



باران برایم امروز

دریای کوچکی ساخت

بادآمد و میانش

برگی بزرگ انداخت

باران و باد وقایق

من ناخدای دریا

با برگ می روم من

برموج های زیبا

مادرکنار ساحل

خیره به موج آببست

سوغات من برایش

یک دانه گوش ماهیست